

درس خارج فقه استاد هادی عباسی خراسانی

جلسه نود و سوم، ۲۶ اسفند ۱۳۹۹

موضوع: مسائل مستحدثه (بورس)/ربا - پول /تأثیر یا عدم تأثیر شرط فاسد در عقد - ارزش پول و مثلی یا قیمی بودن آن

### 1- حدیث اخلاقی (اصلاح بین الناس)

حدیث امروز، سخن با برکت حضرت امام صادق (علیه السلام) در اصول کافی است:

حضرت فرمودند: «صَدَقَةٌ يُحِبُّهَا اللَّهُ إِصْلَاحٌ بَيْنِ النَّاسِ إِذَا تَفَاسَدُوا وَ تَقَارُبٌ بَيْنَهُمْ إِذَا تَبَاعَدُوا» [1].

در آستانه اول سال جدید هستیم و در ماه مبارک شعبان هستیم. بحمدالله رب العالمین برنامه ریزی برای سحر و شبتان دارید. ان شاءالله مناجات شعبانیه را می خوانید و در آن تأمل می کنید. در جلسه های گذشته عرض کردیم و به خصوص دیروز که گفتیم رسول مکرم صلی الله علیه و آله فرمودند: در این ماه، صدقه و استغفار داشته باشید؛ تا می توانید صدقه دهید. گفتیم صدقه، تنها مال نیست؛ امور معنوی و مادی است. از مصادیق صدقه که از این فرمایش حضرت امام حقایق (علیه السلام) استفاده می شود، اصلاح بین مردم است؛ حضرت تصریح فرمودند: صدقه ای که خدا آن را دوست دارد، اصلاح بین مردم است؛ آشتی دادن افراد با یکدیگر. آدم از خود شروع کند؛ کینه و کدورت و ناراحتی که بین خودش و دیگران است که باعث جدایی و قهر است، اصلاح کند.

### 1.1- عام بودن مفهوم اصلاح بین الناس

اصلاح بین الناس، عام است؛ از مسائل خانوادگی میان زن و شوهر شروع می شود، تا فرزندان و خویشان و همسایگان و همکاران و دوستان و هر کسی که با دیگری مراوده دارد و به هر دلیلی قطع کرده است؛ تا اینها به کدورت کشیده نشود، آشتی شان دهد و نگذارد از هم جدا شوند.

### 1.2- کمک های مالی ائمه علیهم السلام، برای اصلاح بین شیعیان

امام صادق (علیه السلام) به جناب مفضل که از اصحاب خاص شان است و توحید مفضل برای ایشان است، فرمودند: هر وقت دیدی شیعیان با هم کدورت دارند، از مال من که نزد تو است، برای بر طرف شدن کدورت هزینه کن؛ [2] جناب مفضل هزینه می کرد و صلح و صفا می داد [3]. انسان باید بکوشد اهل وصل باشد، نه اهل فصل؛ گفت:

«ما برای وصل کردن آمدیم نی برای فصل کردن آمدیم[4]»  
﴿إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ إِخْوَةٌ فَأَصْلِحُوا بَيْنَ أَخَوَيْكُمْ﴾؛ [5] تصریح قرآن است.

### 1.3- اصلاح بین الناس، بالاتر از نماز و روزه و صدقه

در کنزالعمال است که رسول مکرم صلی الله علیه و آله فرمودند: «ألا أخبركم بأفضل من درجة الصيام والصلاة والصدقة؟ إصلاح ذات البين، فإن فساد ذات البين هي الحالقة»؛ [6] حضرت فرمودند: آیا شما را از کاری که بهتر از روزه و نماز و صدقه است شما را خبر دهم؟ اصلاح ذات البین؛ چون فساد ذات البین، سبب نابودی دین (آنها) می شود؛ باعث می شود گاهی از هم جدا شوند.

### 1.4- لزوم آشتی دادن مردم در ایام نزدیک به نوروز

باید بکوشیم در آشتی دادن و آشتی کردن، به خصوص در سال جدید. به تعبیر لطیف، باید واو عاطفه باشیم، نه خط فاصله؛ تا می توانیم فاصله ها را کم کنیم. وصل، مطلوب است، نه فصل. در این جهت برنامه ریزی کنیم و بکوشیم، اول خود آشتی کنیم و بعد سراغ آشتی دیگران برویم.

### 2- خلاصه جلسه گذشته

در فروع مباحث ربا بودیم. قبلا فرع های وام به شرط اجاره و اجاره به شرط وام را مطرح کردیم. که اولی باطل و دومی بدون اشکال است.

### 3- نظر فقها در قبول شرط ربا ضمن عقد قرض (آیا شرط فاسد، مفسد عقد است یا خیر؟)

بحث جدید این است که اگر کسی وامی به کسی داد و تقاضای ربا کرد و گفت: اگر وام بدهم، باید این قدر پس بدهی؛ باید قبول کند یا خیر؟ شرط، جایز است یا نیست؟

### 3.1- امام رحمه الله: صحت قرض و بطلان شرط

مسألة ۱۳ «: القرض المشروط بالزيادة صحيح، لكن الشرط باطل وحرام، فيجوز الإقتراض ممن لا يقرض إلا بالزيادة كالبنك وغيره مع عدم قبول الشرط على نحو الجذ وقبول القرض فقط، ولا يحرم إظهار قبول الشرط من دون جد وقصد حقيقي به، فيصح القرض ويبطل الشرط من دون ارتكاب الحرام[7].»

اگر کسی قرضی را به عنوان شرط ربوی گرفت؛ مانند این که بانک، پول می‌دهد و می‌گوید باید سود دهی؛ اگر با جد شرط را قبول نکند و فقط قرض را قبول کند، درست است؛ می‌تواند صوری قرض و شرط را قبول کند، ولی باطنا خیر.

مبنای این مسأله این است که آیا عقود با شرط فاسد، فاسد هستند یا خیر؟ شرط فاسد، مفسد است، یا نیست؟

از قدیم‌الایام بین فقها مطرح بوده است. مشهور فقها، شرط سودی که باعث بطلان عقد باشد را باطل می‌دانند، بر خلاف نظر حضرت امام رحمه‌الله که فقط شرط را باطل می‌دانند، ولی عقد را باطل نمی‌دانند.

### 3.2- صاحب ریاض رحمه‌الله: بطلان شرط و عقد

کتاب ریاض را غفلت نکنید؛ قبلا در حوزه کتاب درسی بود و از منابع جواهر است. صاحب ریاض می‌فرماید:

«ثم إن ظاهر الأصحاب من غير خلاف يعرف - بل في المسالك و عن السرائر الإجماع عليه - فساد القرض مع شرط النفع، فلا يجوز التصرف فيه ولو بالقبض، ومعه ومع العلم يكون مضمونا عليه، كالبيع الفاسد، للقاعدة المشهورة: «كل عقد يضمن بصحيحه يضمن بفاسده» خلافا لابن حمزة، فجعله أمانة»؛ [8]

اگر وامی را به شرط سود و ربا بدهد، باطل است؛ در وام نمی‌تواند تصرف کند و اگر تصرف کند، ضامن است؛ به خاطر قاعده «ما يضمن بصحيحه يضمن بفاسده»؛ بر خلاف برخی که آن را امانت می‌دانند.

### 3.3- صاحب جواهر رحمه‌الله: بطلان شرط و صحت عقد

صاحب جواهر هم در بحث شرط فاسد می‌فرماید:

«وأضعف منه توقف المحدث البحراني في ذلك مدعيا أنه ليس في شيء من نصوصنا ما يدل على فساد العقد بذلك، بل أقصاها النهي عن اشتراط الزيادة، والخبر النبوي ليس من طرقنا [9].»

نظرشان این است که اشکالی ندارد.

### 3.4- نظر مختار: بطلان شرط و صحت عقد

ما نظرم این است که شرط فاسد، مفسد نیست.

#### 4- دلیل مسأله مفسد بودن شرط فاسد: تابعیت عقود نسبت به قصود

دلیلی که اقامه شده که شرط فاسد، مفسد عقد است، این است که عقود، تابع قصد است؛ کسی که وام می‌دهد، به شرط ربا می‌دهد و کسی که می‌گیرد، به شرط عدم ربا است؛ قصدهای اینها مخالف است و تحقق نمی‌یابد.

#### 4.1- تفصیل در این مبنا: قابل تعدد مطلوب بودن یا نبودن عقود

مبنای ما این است که در بعضی از موارد، عقودی که با شرایط هستند، قابل تعدد مطلوب هستند و برخی موارد، تعدد مطلوب نیست. در شرط‌های فاسد و شرط‌هایی که مشروع نیست و هم حکم تکلیفی دارد و هم حکم وضعی دارد، یعنی هم حرام است و هم فاسد، در صورتی که به این نتیجه برسیم که طرفین، قصدشان محقق نشده است، می‌توانیم بگوییم اشکال دارد؛ از مواردی که می‌توانیم مثال بزنیم، بیع «ما یملک» و «ما لا یملک» است؛ گاهی غوره و شراب، خرید و فروش می‌کند، به ضمیمه که قابل ملکیت نیست؛ گاهی قابل ملکیت است، ولی این فرد، مالکش نیست؛ سرکه خودش را با سرکه دیگری می‌فروشد؛ بیع «ما یملک» و «ما لا یملک»، یا بیع «ما یملک» و «ما لا یملک»؛ نسبت به آنی که ملکیت است، صحیح و نسبت به دیگری باطل است. اگر تعدد مطلوب بیاید، صحیح است.

#### 4.1.1- مبنای امام رحمه‌الله: تعدد مطلوب

امام، قائل به تعدد مطلوب هستند، اما قائل به تفصیل هستند؛ انواع معاملات، متفاوت هستند؛ همه یک جور نیستند.

مرحوم صاحب جواهر رضوان‌الله‌علیه می‌فرماید: «نعم یبنی فساد العقد علی المسألة السابقة وهي اقتضاء فساد الشرط فساد العقد، وقد عرفت الخلاف، وإن كان ظاهرهم هنا عدم كون البطلان هنا مبنيًا علی ذلك [10].»

#### 4.1.2- نظر مختار: تفصیل

با کمال معذرت اینکه عقود، تابع قصود هستند، اگر بشود جدا کرد، عقد صحیح است، و گرنه صحیح نیست.

آدرس روایاتی که قبلاً خواندیم: وسائل الشیعه، أبواب الدین و القرض، باب ۱۹، ح ۹؛ مستدرک الوسائل، أبواب الدین و القرض، باب ۱۹:

وعن الحسين بن سعيد، عن صفوان وعلي بن النعمان، عن يعقوب بن شعيب، عن أبي عبد الله عليه السلام قال: «سألته عن الرجل يسلم في بيع أو تمر عشرين دينارا ويقرض صاحب السلم عشرة دنانير أو عشرين دينارا، قال: لا يصلح إذا كان قرضا يجر شيئا فلا يصلح [11].»

وعن أبي عبد الله (عليه السلام)، أنه سئل عن الرجل يسلم في بيع عشرين ديناراً، على أن يقرض صاحبه عشرة [دنانير] أو ما أشبه ذلك، قال: «لا يصلح ذلك، لأنه قرض يجر منفعة [12].»

### 4.1.3- اشکال بر امام رحمه الله در قصد غير جدی در شرط قرض

اگر این قاعده را بپذیریم که هر قرضی که منفعت داشته باشد، باطل است، در آن تأمل داریم. در عقد، باید تطابق ایجاب و قبول باشد؛ وام دهنده، با شرط ربا و وام گیرنده، بدون قصد ربا می‌گیرد؛ اینها تطابق ندارد. حضرت امام می‌فرمایند: می‌تواند قصد جدی نداشته باشد؛ به نظر ما اگر چنین باشد، عقد واقع نمی‌شود.

### 4.1.4- نظر نهایی: احتیاط در مسأله

با کمال معذرت، ما قائل به احتیاط هستیم که تصرف نکند که شبهه عدم وقوع عقد بر «ما قُصد»، وجود دارد.

آیا شرط حرام، قابل تعلق است یا خیر؟ اگر با شرط حرام پیش رفت، توجهش هم به سود باشد، مانند بانک‌ها، احوط ترک است.

### 5- بحث جدید: ارزش پول

بحث مهم دیگر در ربا که اشاره کنیم، ارزش پول است. ارزش پول، چگونه است؟ قطعاً در مسکوکات، ربا است؛ در پول هم، همین طور است، یا خیر؟

### 6- تعریف پول

پول چیست؟ پول چیزی است که به عنوان وسیله داد و ستد استفاده می‌شود؛ مورد پذیرش همگان است؛ ارزش مبادله‌ای دارد؛ انواعی هم دارد.

### 7- تاریخچه پول

تاریخچه معاملات و پول را گفتیم؛ اول کالی به کالی بود؛ در مبادلات، اجناس را معامله می‌کردند؛ معامله پایاپای؛ گندم را می‌گرفت و مقابلهش، چیز دیگری می‌داد؛ کم کم پول‌های فلزی

و سکه‌ای آمد؛ بعد از آن در ذخیره و ارزش، تفاوت داشت؛ بعد پول‌ها، کاغذی شد؛ بعد تبدیل شد به پول‌های دیگر، مانند: پول‌های تحریری که در دفتری، معاملات را ثبت می‌کردند. حواله‌جات، شبه پول است؛ سپرده‌های بانکی و سهام، شبه پول است.

### 8- تفاوت مسکوکات در صدر اسلام با پول رایج در عصر حاضر

از همه مهم‌تر، چون بر اساس مسائل اسلامی پیش می‌رویم، پولی که صدر اسلام رایج بود، درهم و دینار بود. معمولاً درهم و دینار، ده درصد با هم تفاوت داشت؛ هر دیناری، ده درهم بود؛ معمولاً سکه‌ها، هم‌وزن بودند. آنچه آن زمان مطرح شد و سیره رسول مکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله و روش اهل بیت علیهم‌السلام تأییدش کردند، پولی بود که به عنوان وزن مطرح می‌شد. تفاوت بین پول موزون، با پولی که الآن است، روشن است؛ آنجا پول، ارزش ذاتی داشت ولی پول‌های امروز، ارزش مصرفی دارد، نه ذاتی؛ اسکناس‌ها، فقط در داد و ستدها به کار می‌رود؛ ارزش آنها، قراردادی است. دو اعتبار در پول‌های امروز است: یکی اینکه برای نوع مخصوص کاغذی، ارزشی است و دیگر اینکه ارزش مبادلاتی دارد.

پول، ارزش ذاتی دارد، یا اعتباری؟ اینکه گفتند: پول را به زیاده ندهید، به ارزش ذاتی است، یا عرضی؟ پول در زمان ما، جزو مصادیق مسائل مستحدثه است.

### 9- نظر فقها در مورد اسکناس و پولهای رایج امروزی

#### 9.1- نظر صاحب عروه رحمه‌الله

عروه، کتاب الربا، نظر سید یزدی را ببینید:

«اسکناس، از جنس درهم و دینار نیست و احکام درهم و دینار بر آنها جاری نمی‌شود. معامله صرف ندارد. جایز است که اسکناس را به بیش از خودش، خرید و فروش کرد [13].»

#### 9.2- نظر امام رحمه‌الله

حضرت امام در تحریر ج ۱ ص ۵۴۰ مساله ۳، اسکناس‌ها را از معدودات می‌دانند. چنان که یک طرف معامله، اسکناس‌های امروزی را معامله کنند، اضافه گرفتن به قصد فرار از ربا جایز نیست - اسکناس چند کشور را مثال می‌زنند - به نظر ایشان، پول‌های اسکناسی زمان ما، بیع صرف ندارد.

#### 9.3- نظر آقای خویی رحمه‌الله

آقای خویی در منهاج الصالحین، ج ۲، ص ۵۶، مساله ۲۲۶ می‌فرمایند:

«احکام معامله صرف بر انواع اسکناس پول‌های رایج امروز جاری نیست. آنچه جایگزین درهم و دینار سابق شدند، احکام آنها را ندارد. زکات هم جاری نیست. صرف هم ندارد و قبض در مجلس واجب نیست.»

### 10- مثلی بودن یا قیمی بودن یول

ما قبل از اینکه بگوییم ریال، یا پول‌های اعتباری، مانند درهم و دینار است، باید دید مثلی است یا قیمی؟ اگر قائل به مثلی شویم، معنایش این است که کسی که قرض می‌دهد، باید همانند آن را تحویل دهد؛ اگر قیمی باشد، می‌تواند افزایش بدهد. تعریف‌های مختلفی، برای مثلی و قیمی شده است.

### 10.1- نظر صاحب عروه رحمه‌الله و نظر مختار: مختلف بودن مثلی و قیمی نسبت به زمان و مکان و عرف

حاشیه مکاسب یزدی، ص ۹۶، معنای مثلی و قیمی آمده است؛ نسبت به زمان‌های مختلف، مثلی و قیمی فرق دارد و در یک زمان برای دیگری حجت نیست؛ شاید در زمانی مثلی باشد، یا قیمی و زمان دیگر نباشد [14].

نظر ما هم، مانند همین دیدگاه سید یزدی است.

مثلی، صنفش یکی باشد، یا اجزایش یکی باشد، یا ملاکش واحد باشد، تعریف‌ها مختلف است. در عرف عقلا، آنچه برای آن مشخص می‌کنند، برای دیگر موارد هم مشخص کنند؛ به نظر ما، تعریف مثلی این است.

مالیت اشیاء، به رغبت مردم است.

### 10.2- نظر امام رحمه‌الله در مثلی

مثلی آنهایی هستند که خصوصیات‌شان قریب به هم هستند؛ این نظر حضرت امام در تحریر است [15].

### 10.3- نظر مختار در مثلی

با کمال معذرت، به این نتیجه رسیدیم که مثلی، دو شیء متشابهی است که اینها در مثل هم، یکی باشند؛ یعنی مثلی را به مثلث می‌دانیم؛ در نتیجه اگر روزی این مثل در زمانی، قیمتش این گونه بود و در زمان دیگر قیمت دیگر بود، باید قیمت حساب شود.

- 
- [1] الكافي- ط الاسلامية، الشيخ الكليني، ج ٢، ص ٢٠٩.
- [2] الكافي- ط الاسلامية، الشيخ الكليني، ج ٢، ص ٢٠٩.
- [3] الكافي- ط الاسلامية، الشيخ الكليني، ج ٢، ص ٢٠٩.
- [4] مولوى، مثنوى معنوى، دفتر دوم، بخش ٣٦.
- [5] حجرات/سوره ٤٩، آيه ١٠.
- [6] كنز العمال، المتقي الهندي، ج ٣، ص ٥٨.
- [7] تحرير الوسيلة، الخميني، السيد روح الله، ج ١، ص ٦٥٥.
- [8] رياض المسائل، الطباطبائي، السيد علي، ج ٨، ص ٤٧٦.
- [9] جواهر الكلام، النجفي الجواهري، الشيخ محمد حسن، ج ٢٥، ص ٧.
- [10] جواهر الكلام، النجفي الجواهري، الشيخ محمد حسن، ج ٢٥، ص ٧.
- [11] وسائل الشيعة، الشيخ الحر العاملي، ج ١٨، ص ٣٥٦، أبواب الدين و القرض، باب ١٩، ح ٩، ط آل البيت.
- [12] مستدرک الوسائل، المحدث النوري، ج ١٣، ص ٤٠٩.
- [13] العروة الوثقى - جماعة المدرسين، الطباطبائي اليزدي، السيد محمد كاظم، ج ٦، ص ٧٤.
- [14] حاشية المكاسب، الطباطبائي اليزدي، السيد محمد كاظم، ج ١، ص ٩٦.
- [15] تحرير الوسيلة، الخميني، السيد روح الله، ج ١، ص ٦٥٥.